

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

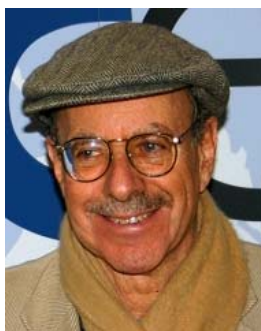
afgazad@gmail.com

Political

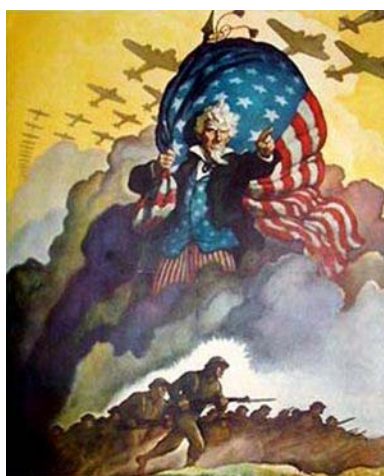
سیاسی

نویسنده: جیمز پتراس
برگردان از: آمادور نویدی
۱۱ اکتوبر ۲۰۱۶

توحش در گفتار و کردار



جیمز پتراس



توحشی که اساس جنگ های امپریالیستی امریکا و اتحادیه اروپا برای فتح خاورمیانه است، بی همتا ست. روسیه، چین و ایران، دشمنان اصلی تجاوز امریکا، نه به هیچ کشور مستقلی حمله کرده اند، و نه باعث تحریک فرار میلیون ها پناهنده بیچاره شده اند. روسیه توسط سوریه، دولت متحد خود، جهت کمک به مقابله با حملات تروریستی مزدورانی دعوت شده است، که قصد تجزیه کشور را دارند. کریمه به صورت مسالمت آمیز و از طریق انتخابات دوباره به روسیه پیوست. مسکو از بازی در هرگونه نقش نظامی در حمایت از جنگ های غرب علیه عراق، یمن و لیبیا خودداری

نمود. هیچ کدام از این ها به سطح توحش امریکا و اتحادیه اروپا نمی رسد. در آسیا، غرب به ویتنام، فیلیپین و افغانستان حمله کرده و آنها را نابود ساخت. جاپان، که اکنون متحد امریکا ست، به چین، کوریا و جنوب شرق آسیا حمله کرد. چین برای به نوبه خود قرن ها ست که درگیر هیچ جنگ امپریالیستی برای فتح نبوده است. ایران در عصر جدید به هیچ کشوری حمله نکرده است. به عکس، عراق با حمایت امریکا در سال های ۱۹۸۰ به ایران حمله کرد و یک دهه طولانی جنگ را به راه انداخت که باعث تلفات میلیونی شد. در واقع، اگر راه اندازی جنگ ها، انجام حملات، نابودی تمام جوامع و مرگ میلیون ها نفر ناشی از آن، معیار توحش باشند، پس بنابراین امریکا، اتحادیه اروپا و جاپان به روشنی وحشی هستند... در یونان قدیم، بربرها آن هائی بودند که خارج از امپراتوری بودند و زبان تمدن را صحبت نمی کردند. آن ها مهاجمان وحشی بودند که به دنبال غارت ثروت و فرهنگ امپراتوری بودند. امروزه، توحش از درون امپراتوری در جنگ های پی در پی که نابود و غارت می کند ظهور می کند، حتی در حالی که جوامع و اقتصاد خود آن ها در جهل، فقر، بدهی، اعتیاد و جنایت غلت می خورد. توحش امپریالیستی کل فرهنگ ها را نابود می کند، میراث بزرگ تاریخی تمدن های باستانی مانند عراق و سوریه را نابود می سازند، در حالی که فرهنگ احمقانه، مواد مخدر و اسباب بازی های الکترونیک خودشان را تحمیل می کنند، که در حال حاضر جمعیت خودشان را در سطح کودکان باقی گذاشته است... نظم جهانی امپریالیستی وحشی دائماً در جنگ با «دیگران» است و هرگز نمی تواند تلفیق و شبیه سازی کند و از گنجینه های انسانی گرانبهائی که گستاخانه نابود کرده است، یاد بگیرد. در خارج با ترور حکومت می کند و در داخل فریب می دهد.

نماینده امریکا در ملل متحد، سفیر «یاوه گو» سامانتا پاور، دولت های روسیه و سوریه را به «توحش» متهم ساخت، و ادعا نمود که مسکو و دمشق به کاروان بشردوستانه غیرمسلح ملل متحد که به غیرنظامیان حلب کمک ارائه می دادند، حمله کرده اند.

«آن چیزی که روسیه انجام می دهد و از آن حمایت می کند [در سوریه]، مبارزه با تروریسم نیست، توحش است»
سامانتا پاور، نماینده امریکا در ملل متحد

مقدمه:

نماینده امریکا در ملل متحد، سفیر «یاوه گو» سامانتا پاور، دولت های روسیه و سوریه را به «توحش» متهم ساخت، و ادعا نمود که مسکو و دمشق به کاروان بشردوستانه غیرمسلح ملل متحد که برای غیرنظامیان حلب کمک می برد، حمله نموده اند. اما هیچ مدرکی ارائه داده نشد. یاوه گوئی و تهدید نیازی به ارائه مدرک و اثبات ندارد؛ تنها چیزی که نیاز است سر و صدای عاطفی شدید و شکایت سازمان های تبلیغاتی جمعی موافق و همسو.

برای این که روشن شود، «بربرها»، تصاویر رهبران و گروه هائی را بیرون می کشند، که تمام قواعد و قوانین متمدن را برای همیشه ترک می کنند. آنها تنها با جنگ مسلحانه پاسخ می گویند.

مفاد اتهامات کنونی پاور از توحش به کار برده شده علیه روسیه و سوریه برای توجیه بمباران پایگاه ارتش سوریه توسط نیروی هوایی امریکا ست، که منجر به کشته و زخمی کردن تقریباً ۲۰۰ پرسنل دولتی گشت، که درگیر در جنگ علیه تروریست های داعش و مهاجمان جهادی بوده اند.

به عبارت دیگر، متهم کردن پرسنل سوری به «توحش»، روش بدبینانه سفیر سامانتا پاور برای فاقد صفات انسانی نشان دادن قربانیان جوانی است که قبل تر و عمداً قربانی جنایت جنگی امریکا شده اند.

اجازه دهید زمینه استفاده و سوء استفاده از بیان «توحش» - و کاربرد قانونی آن را تجزیه و تحلیل کنیم.

توحش: در کردار

در طول پانزده سال گذشته، امریکا و متحدانش با حمله به کشورهای افغانستان، عراق، سومالی، لیبیا، سوریه، یمن و لبنان و اشغال آنها، بیش از ده میلیون نفر را کشته، زخمی، و سلب مالکیت نموده اند. مقامات نظامی و غیرنظامی به طور سیستماتیک کل اقتصاد آنها را نابود ساخته و با ایجاد جنگ های قومی و مذهبی، جوامع باستانی و روابط خانوادگی مردم آن ها را تضعیف نموده اند و دست نشانندگان سیاسی فاسد را در قدرت نشانده اند. شکنجه، بازداشت های خودسرانه و حبس ترویج شده توسط امریکا، منجر به قاعده ایجاد جوامع بی قانون و پر آشوب در کشورهای شده است، که زمانی مولد و باثبات بوده اند. نبود زیرساخت های اجتماعی باعث شده که توده عظیم جمعیت، با میلیون ها پناهنده ناامید از تهاجم، جنگ ها و تجزیه کامل جامعه فرار کنند. نتیجه این تصمیم سیاسی آگاهانه امپریالیستی، خالی کردن شهرها و محلات، خانواده های از هم جدا شده، تخریب زندگی و آینده میلیون ها نفر از جوانان عرب و مسلمان بوده است.



شکنجه: ننگ امریکا

در حالی که میزان تلفات بالا می رود و اروپای غربی با سیل ناشی از جنگ های تهاجمی امریکا روبه رو می شود، امپریالیست ها صدای لفاظی های خود را بلند کرده اند و تمام مخالفان و منتقدان خود را به عنوان «همدست جنایت کاران جنگی»، و «وحشی ها» برچسب می زنند. هر چه سیاست گستاخانه غارت امپریالیستی بزرگ تر و پایدارتر باشد، ناامیدی رهبران در برابر شکست های نهانی اش بیشتر تشدید می شود و بیشتر به زبان ناسزاکوئی «دیپلماتیک» خود متوسل می شوند.

توحش در جست و جوی وحشی ها :

توحشی که اساس جنگ های امپریالیستی امریکا و اتحادیه اروپا برای فتح خاورمیانه است، بی همتا ست. روسیه، چین و ایران، دشمنان اصلی تجاوز امریکا، نه به هیچ کشور مستقلی حمله کرده اند، و نه باعث تحریک فرار میلیون ها پناهنده بیچاره شده اند. روسیه توسط سوریه، دولت متحد خود، جهت کمک به مقابله با حملات تروریستی مزدورانی دعوت شده است، که قصد تجزیه کشور را دارند. کریمه به صورت مسالمت آمیز و از طریق انتخابات دوباره به روسیه

پیوست. مسکو از بازی در هرگونه نقش نظامی در حمایت از جنگ های غرب علیه عراق، یمن و لیبیا خودداری نمود. هیچ کدام از این ها به سطح توحش امریکا و اتحادیه اروپا نمی رسد.

در آسیا، غرب به ویتنام، فیلیپین و افغانستان حمله کرده و آنها را نابود ساخت. جاپان، که اکنون متحد امریکا ست، به چین، کوریا و جنوب شرق آسیا حمله کرد. چین به نوبه خود قرن ها ست که درگیر هیچ جنگ امپریالیستی برای فتح نبوده است.

ایران در عصر جدید به هیچ کشوری حمله نکرده است. به عکس، عراق با حمایت امریکا در سال های ۱۹۸۰ به ایران حمله کرد و تقریباً یک دهه طولانی جنگ را به راه انداخت که باعث تلفات میلیونی شد. (جنگ عراق و ایران از سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸ بود - م)

در واقع، اگر راه اندازی جنگ ها، انجام حملات، نابودی تمام جوامع و مرگ میلیون ها نفر ناشی از آن، معیار توحش باشند، پس بنابراین امریکا، اتحادیه اروپا و جاپان به روشنی وحشی هستند.

ادعای خلاف آن و پیروی از متن یاوه سفیر سامانتا پاور به معنای وارد شدن در تونل توهمات است که زبان ارزش های لیبرالی واقعاً اعمال توحش را زینت می دهد.

تمام زبان سیاست منحرف شده و به یک خود فریبی استادانه تبدیل گشته است. شبه نظامیان تروریست که به عنوان «شورش های» و «میان راه ها» دوباره بسته بندی شده اند، از مراکز امپریالیستی غرب تا سطح، توحش را گسترش می دهند. گسترش عمدی تروریسم خودش یک کردار بربرمنشانه [وحشیانه] است، که مقام قدرت های غربی را خوار می کند.

نتیجه گیری

در یونان قدیم، "بربرها" آن هائی بودند که خارج از امپراتوری بودند و زبان تمدن را صحبت نمی کردند. آن ها مهاجمان وحشی بودند که به دنبال غارت ثروت و فرهنگ امپراتوری بودند. امروزه، توحش از درون امپراتوری در جنگ های پی در پی که نابود و غارت می کند ظهور می کند، حتی در حالی که جوامع و اقتصاد خود آن ها در جهل، فقر، بدهی، اعتیاد و جنایت غلت می خورد. توحش امپریالیستی کل فرهنگ ها را نابود می کند، میراث بزرگ تاریخی تمدن های باستانی مانند عراق و سوریه را نابود می سازند، در حالی که فرهنگ احمقانه، مواد مخدر و اسباب بازی های الکترونیک خودشان را تحمیل می کنند، که در حال حاضر جمعیت خودشان را در سطح کودکان باقی گذاشته است.

امپراتوری وحشی ها با صراف ها و دلالان فاسد آلوده است. آنها تمام سیستم قضائی و نهادهای قانونی را خوار کرده اند. فضای عمومی برای نخبگان به یک توالی عمومی تبدیل گشته، که به روی هر گفتمان عمومی و بحث بسته شده است.

نمایشات انتخاباتی، به جای بحث منطقی، اصول جمهوری را تضعیف می کند. فاتحان امپریالیستی، گرفتار متافزیک نظامی هستند، که نه می توانند یک جامعه نابود شده را به یک مستعمره مولد بازسازی کنند، و نه می توانند درست مانند کاری که رم با یونان کرد، از میان بهترین و درخشان ترین اسیران خود یاد بگیرند و یا بهره مند شوند، به این دلیل که نشان داده شده است که چنین تخریبی به خاک زیر پای مردم فتح شده خود نمک پاشیده است.

نظم جهانی امپریالیستی وحشی دائماً در جنگ با «دیگران» است و هرگز نمی تواند تلفیق و شبیه سازی کند و از گنجینه های انسانی گرانبهای که گستاخانه نابود کرده است، یاد بگیرد. در خارج با ترور حکومت می کند و در داخل

فرب می دهد. به همان گونه ای که توسط سفیر یاوه گوی امپریالیستی سامانتا پاور، چنان ناپخته نمایش داده شد، سخن پردازی او در مجامع بین المللی حد وسط تشنج مقامات را منعکس می کند: وحشی های نادان در میان خودشان در ظنین تالار مرمری با بی حوصلگی جارو جنجال راه می اندازند. در پایان، وحشی های امپریالیستی توسط دست نشانگان و عروسکان دستی فراری خودشان محاصره می شوند. هنگامی که آنها سرانجام با پوسیدگی و انحلال داخلی خود خودشان روبه رو شوند، آنها باید تصمیم بگیرند که یا درگیر در آخرین حریق بزرگ جهانی شوند و یا نظم توحش امپریالیستی را از بین ببرند و عدالت، قانون و تمدن را انتخاب کنند.

درباره نویسنده:

جیمز پتراس، استاد بارتل (بازنشسته) جامعه شناسی در دانشگاه بینگهامتون، نیویورک است.

برگردانده شده از:

<http://petras.lahaine.org/?p=2104>